

نگاهی به زندگانی، القاب و کرامات حضرت سید

محمد فرزند امام هادی علیه السلام

نویسنده

علی قربانی امیرآبادی

مرکز حقایق اسلامی

الله اعلم

چکیده

کسانی که به زیارت عتبات مقدسه ی در عراق مشرف شده اند، نام حضرت سید محمد فرزند امام هادی علیه السلام را شنیده و بسیاری نیز به زیارت آن امام زاده ی واجب التعظیم مشرف شده اند. از آنجایی که عدم شناخت حقیقی نعمت ها باعث غفلت و حتی تساهل و تسامح در مورد قدر شناسی آن نعمت می گردد و منجر به خسارتِ مادی و معنوی در زندگانی آدمی می شود، برای همین آشنایی بیشتر با مقام و منزلت حضرت سید محمد علیه السلام و معرفی زندگانی و کرامت های ایشان ضروری به نظر می رسد.

کلید واژگان:

حضرت سید محمد علیه السلام، امامزاده، بلد، کرامت، زندگی نامه

مقدمه

حضرت سید محمد علیه السلام فرزند بلا واسطه ی امام هادی علیه السلام است. که به جهت ولایت مداری و تبعیت محض از امام زمان علیه السلام خود، در بندگی خداوند متعال از اهل زمانش پیشی گرفت. سخاوت، شجاعت و علم ویژه و اخلاق پسندیده ی آن بزرگوار موجب تمایز ایشان از دیگران گردید. اما صد حیف که چنین ستاره ای در عنفوان جوانی چشم از این جهان فرو بست و پدر بزرگوارش و برادر معصوم خود را، در غم از دست دادن چنین انسان شایسته ای مصیبت زده نمود. اما به یقین، رسیدن آجل برای افراد شایسته به معنای پایان پذیرفتن آنها نبوده و نیست. حضرت سید محمد علیه السلام همانگونه که در زمان حیات خود منشأ خیرات و برکات فراوانی بود، همچنان بعد از رحلت خود نیز در این عالم تاثیر گذار است. و کرامت های بسیار فراوانی که مردم عراق از آن حضرت مشاهده نموده اند، جزئی از آن تاثیرات است. در این مقاله سعی شده است اجمالی از زندگانی حضرت ابوجعفر علیه السلام را ذکر نماییم و بعد در بخش دوم به مواردی از کرامت های ایشان اشاره نماییم که نشانه ای از علو شأن و مقام والای آن بزرگوار را نمایان می کند. باشد که این عمل خیر، در پرونده ی اعمال نویسنده و خوانندگان عزیز ثبت شود.

منزلت ولادت و ولایت

سرور ما ابو جعفر فضائل و مناقب گوناگونی دارد که مقدار آن کم و اندک نیست. فضائلی که اگر هر کس به یکی از آنها آراسته باشد. و یا یکی از آن فضائل و شرف بی شمار را داشته باشد. سزاوار است که بر قله رفیع عظمت و سروری تکیه زند. اولین آن فضائل، سلسله نسب کوتاه ایشان است که در اصل و ریشه با تبار نبوت و خاندان امامت در آویخته و خویشاوندی و قرابت یافته است.

روایتی را شیعه و سنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل نمودند که عبد الله بن عباس گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

كُلُّ حَسَبٍ وَ نَسَبٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُنْقَطِعٌ إِلَّا حَسَبِي^۱.

هر حسب و نسبی در روز قیامت قطع می شود به جز حسب و نسب من.

این گفتار طلایی و گرانقدر با این اخلاقی که دارد همه بزرگوارانی را که با اصل قداست و پاکی و تبار طهارت خویشاوندی دارند شامل می گردد، هر چند آن دسته از سادات که خود صاحب نیکی و فضل بسیار باشند دیگر نور علی نور است و این نور از پیشانی ایشان پیداست و اعمال نیک و گفتار متین و نشان خردمندی و ارجمندی آنها بر این امر گواه است و حضرت سید محمد علیه السلام هم از همین دسته است و اخبار و روایاتی که در مورد قداست ایشان به ما رسیده بی شمار است.

در روایت دیگری از حضرت صادق علیه السلام چنین آمده:

وَلَايَتِي لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ وَلَادَتِي مِنْهُ لِأَنَّ وَلَايَتِي لَهُ فَرَضٌ وَ وِلَادَتِي مِنْهُ فَضْلٌ^۲.

ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام در نزد من محبوب تر است از آنکه من از نسب اویم، زیرا ولایت او فرض و واجب و نسب از او فضیلت است.

این روایت از روایات بسیار زیبا و آموزنده است. ائمه اطهار علیهم السلام و فرزندان و نوادگان حضرت نسبت به وجود مبارک امیر مؤمنان علی علیه السلام هم فریضه ولایت داشتند و هم فضیلت ولادت، اما فریضه ولایت

۱. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل جلد ۱ صفحه ۵۳۰ ذیل آیه ۱۰۱ سوره مؤمنون

۲. الفضائل فضل بن شاذان قمی صفحه ۱۲۵ / بحار الأنوار جلد ۳۹ صفحه ۲۹۹

نزد آنها بسیار مهم تر است. چون واجب با مستحب قابل مقایسه نیست و فاصله زیادی از هم دارند. روایت اخیر ریشه در این آیه دارد:

إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ^۳

این آیه دلالت دارد بر اینکه خداوند متعال، ولایت بالذات بر همه ی موجودات عالم دارد و بعد از خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنینی که اقامه نماز می نمایند و در حال رکوع نماز زکات (صدقه) می پردازند (که اشاره دارد به خاتم بخشی امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در حال نماز دارد).^۴ بر موجودات عالم ولایت دارند. نکته دیگر آنکه؛ هر چند امتیاز فرزند امام بودن، فضیلتی برای انسان است، اما هنگامی این فضیلت اعتبار پیدا می کند که قرین با ولایت آل الله علیه صلوات الله باشد و گرنه هیچ گونه ارزشی ندارد. حضرت سید محمد بن علی الهادی علیه السلام از جمله افرادی است که، علاوه بر شرافت ولادت از سلاله پاک، ولایت اهل بیت علیهم السلام را در اعلا درجه اش دارا بود.

بخش اول؛ شناخت اجمالی از حضرت سید محمد علیه السلام

ایشان در سال ۲۲۸ ه ق در روستای «صریا» در اطراف مدینه چشم به دنیا گشود و در سال ۲۳۳ ه ق که امام هادی علیه السلام به دستور متوکل عباسی ملعون به سامراء احضار شد، حضرت سید محمد علیه السلام در صریا ماند.^۵

۳. سوره مائده آیه ۵۵

۴. برای اطلاع بیشتر در مورد شأن نزول و بحث سند و دلالت و دفع شبهات به کتاب جواهر الکلام فی معرفة الامامیه و الامام حضرت آیت الله میلانی دام عزه ج ۲ ص ۲۵۱ به بعد مراجعه نمایید.

۵. بداوی، سبع الجزیره، مرکز سبع الدجیل للتبلیغ والارشاد ص ۲

پدر

پدر بزرگوار ایشان حضرت علی بن محمد، امام هادی علیه السلام است که نسلی از سلسله الذهب و شاخه ای از شجره ی نبوت می باشد.^۶

در مورد شخصیت آن حضرت، نه تنها زبان ها عاجز از بیات و صف مقام ایشان است، بلکه عقل ها نیز از درک منزلت والای آن ستاره ی درخشان آسمان امامت ناتوان هستند.

مادر

مادر گرامی ایشان بانوی مؤمنه و عقیقه ای به نام سلیل یا حدیثه، که سوسن و جدّه نیز گفته شده، نام دارد. ایشان بانویی امّ و ولد^۷ می باشد. مرحوم علامه مجلسی در کتاب جلاء العیون از آن بانو اینگونه یاد می کند: «سلیل کانت من العارفات الصالحات».

مورخان دیگر نیز از ورع، تقوا، عفاف و پاکی او سخن گفته اند. در جلالت قدرش همین بس که امام حسن عسکری علیه السلام وی را وصی خویش قرار داد و حتی زمان شهادت خود را به او گفت. افتخار دیگر این بانو آن است که مادر امام حسن عسکری علیه السلام و جدّه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و سبب اشتهارش به «جدّه» نیز از این جهت است.^۸

خواهر و برادرها

حضرت سید محمد علیه السلام یک خواهر به نام «علیه» یا «عالیه» و سه برادر به نام های «امام حسن علیه السلام، حسین و جعفر» دارند.^۹

اما جایگاه و فضیلت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام بالاتر از آن است که در قالب واژگان جای بگیرد.

۶. الارشاد ج ۲ ص ۳۱۱

۷. ام ولد به معنای مادر فرزندی، کنیزی است که از مالک خود دارای فرزند شده باشد. در کتب فقهی از واژه استیلاذ نیز برای اشاره به ام ولد و احکام آن استفاده می شود.

۸. الارشاد ج ۲ ص ۲۷۹ / ریاحین الشریعه ج ۳ ص ۲۴ / بحارالانوار ج ۵۰ ص ۲۳۵

۹. بحارالانوار ج ۵۰ ص ۲۳۲

جناب حسین بن علی الهادی علیه السلام نیز فردی جلیل القدر و عظیم بوده است و از وی و برادرش امام حسن عسکری علیه السلام با عنوان سبطین یاد و تعبیر می کرده اند و آن دو بزرگوار را به دو سبط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تشبیه می نموده اند.^{۱۰}

در پاره ای از روایات آمده است که صدای حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف شبیه صدای جناب حسین بن علی علیه السلام است.

فقیه اردکانی در «شجرة الاولیاء» گوید:

ایشان (یعنی حسین بن علی الهادی علیه السلام) زاهد و عابد و عارف و معترف به امامت برادر خود بوده است.^{۱۱} اما حال جعفر کذاب به جهت پیروی نکردن از دستورات پدرشان امام هادی علیه السلام و برادرشان امام حسن عسکری علیه السلام و هم برادرزاده ی خود حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف عاقبت خوبی نیافت. از زندگی جعفر می توان عبرت ها گرفت؛ البته اگر اهل عبرت گرفت باشیم. و چه بسیار برادرها که یکی راه حق و حقیقت را پیمود و دیگری راه باطل و گمراهی را... مثل محمد بن فرج و برادرش عمر بن فرج. یا حضرت یوسف و برادرانش. یا حضرت هابیل و برادرش قابیل.

فرزندان

صاحب منتهی الآمال از کتاب سید ضامن، در مورد فرزندان و نوادگان حضرت سید محمد علیه السلام چنین ذکر می کند: جناب شمس الدین محمد بن علی بن محمد بن حسین بن محمد بن علی بن محمد بن الامام الهادی علیه السلام از نوادگان حضرت سید محمد علیه السلام است که مشهور است به «میر سلطان بخاری» برای آنکه ولادت و نشو و نمایش در بخارا شده و اولاد او را «بخاریون» گویند، و این شمس الدین سیدی بوده با ورع عابد صالح زاهد در دنیا، با علمای بزرگ همراهی نموده و از فضائل آن اقتباس نموده است و در صدر مجلس ایشان نشسته پس از بخارا توجه فرمود به بلاد روم و متوطن شد در شهر بروساء و نقل شده از او کرامات بسیار و

۱۰. ستاره دجیل ص ۵۳

۱۱. همان

وفات کرد در همان شهر در سال ۸۳۲ ه ق و قبرش در آنجا مشهور است و مزار است که مردم به زیارتش می روند و نذر برای او می برند.

وسید حسن براقی گفته که ادامه نسل امامزاده سید محمد علیه السلام از همین شمس الدین است و از برای او سلاله ای است که در اطراف منتشر هستند و از اولاد او است علاء الدین ابراهیم و پسرش علی و پسرش یوسف و پسرش حمزه و پسرش سید محمد بعاج.^{۱۲}

وفات

درباره اینکه آن حضرت در چه سالی به سامراء نزد پدرش رفته است، اطلاعاتی در دست نیست، اما گفته شده که در سال ۲۵۲ق از سامراء راهی مدینه شد.^{۱۳} و هنگامی که به شهر «بَلَد»^{۱۴} رسید بر اثر بیماری در روز بیست و نهم جمادی الثانیه همان سال در زمان حیات امام هادی علیه السلام وفات نمود،^{۱۵} و در همان جا دفن شد.^{۱۶} مرحوم علامه اردوبادی می نویسد: حضرت امام هادی علیه السلام در اطراف شهر سامراء زمین های کشاورزی داشتند که آنها را وقف نموده بودند، فرزند بزرگوارشان حضرت سید محمد علیه السلام برای سرکشی و اداره آن زمین ها به آنجا می رفتند و درآمد حاصل از آن را دریافت می نمودند و در مصارف مشخص شده از طرف امام هزینه می نمودند. و در یکی از این سفرها ایشان بیمار شدند و از دنیا رفتند و امام هادی علیه السلام خود متکفل دفن ایشان شد.^{۱۷} سن مبارک ایشان هنگام وفات ۲۴ سال بود.

حضرت سید محمد علیه السلام به قدری مردی با اخلاق و صاحب علم و فضیلت بود و از آن جهت که فرزند بزرگ امام هادی علیه السلام بودند، عده ای از شیعیان گمان می کردند که امر امامت بعد از پدرشان به ایشان خواهد رسید،^{۱۸} ولی امر امامت اولاً به دست خداوند متعال است و اوست که هر کس را که بخواهد برای امام

۱۲ . منتهی الآمال ج ۲ ص ۴۹۷

۱۳ . بداوی، سبع الجزیره، مرکز سبع الدجیل للتبلیغ و الارشاد ص ۴

۱۴ . بلد شهری است در عراق بین بغداد و سامراء

۱۵ . الفهرست ابن ندیم ص ۲۲۵

۱۶ . المجدی فی انساب الطالبیین لابن صوفی ص ۳۲۵

۱۷ . ستاره دجیل ص ۵۲

۱۸ . منتهی الآمال ج ۲ ص ۴۹۷

بودن گزینش می نماید و این در حالی است که امام دهم بارها به امامت حضرت ابو محمد حسن بن علی العسکری علیه السلام تصریح نموده است.^{۱۹}

اما متأسفانه بعد از وفات ایشان گروهی قائل به غیبت ایشان شدند و منکر امامت حضرت عسکری علیه السلام شدند.^{۲۰}

البته همه این مسائل برای ابتلا و آزمایش است لذا انسان ها بایست معارف الهی را به خوبی و با ادله ی متقن یاد بگیرند تا در گرداب فتنه ها غرق نگردند.

حاکمان معاصر

خلفای جور معاصر با زندگانی ایشان عبارت اند از: واثق، متوکل، منتصر، مستعین و معتز. که همگی از حکام ظالم بنی عباس هستند که شدیدترین سخت گیری ها را علیه شیعیان و علی الخصوص فرزندان اهل بیت علیهم السلام اعمال می نمودند.

کنیه ها

برای حضرت سید محمد علیه السلام کنیه های بسیاری برشمرده اند که عبارتند از: ابوجعفر، ابوجاسم، ابواشارات، ابوبرهان، ابوعلی و ابواحمد.

معروف ترین و شناخته شده ترین کنیه اش «ابوجعفر» می باشد.^{۲۱}

۱۹ . برای اطلاع بیشتر به کتاب اثبات الهدی الخصوص و المعجزات شیخ حر عاملی مراجعه شود.

۲۰ . فرق الشیعه نوبختی ص ۹۴

۲۱ . سبع الدجیل مناخ القاصد الی سامراء، سید محمود غریفی ص ۴

القاب

همچنین آن حضرت با لقب هایی چون «سَبْعُ الدَّجِيلِ؛ شیر دجیل»، «أَسَدُ الدَّجِيلِ»، «سَبْعُ الْجَزِيرَةِ»، «باب الحوائج»، «حامی الجار؛ پشتیبان همسایگان» و أخوالعباس شناخته می شود، این کنیه ها و القاب از کرامت های اخلاقی، شجاعت، سخاوت، گذشت و دیگر خصال پسندیده ایشان حکایت دارد.

البته مشهورترین لقب ایشان «سَبْعُ الدَّجِيلِ» است.^{۲۲}

علت اشتهارش به این لقب آن است که مزارش در منطقه دجیل قرار گرفته و انوار بارگاهش بر منطقه تابندگی دارد و روح مطهرش فریاد رس بی پناهان و تقویت کننده روحیه دل های افسرده و احیا کننده قوای فرسوده است.

منزلت ایشان در نزد برادرشان امام عسکری علیه السلام:

مقام و منزلت حضرت سید محمد علیه السلام به قدری برای امام عسکری علیه السلام عزیز بود که در سوگ او ایشان گریبان پاره نمودند.^{۲۳}

حسن بن حسن افطس می گوید: روزی که محمد بن علی بن محمد (سید محمد علیه السلام) وفات یافته بود با عده ای از بنی هاشم برای عرض تسلیت به محضر امام هادی علیه السلام شرفیاب شدیم، در حیاط خانه برای حضرت فرشی انداخته بودند و بانوان حرم اطراف ایشان نشسته بودند، افرادی که با من بودند گفتند: به نظر ما به غیر از خادمین حضرت و بقیه مردم، حدود ۱۵۰ نفر از مردان آل ابی طالب و بنی هاشم و قریش اطراف امام علیه السلام جمع شده اند. در این هنگام امام هادی علیه السلام حسن بن علی علیه السلام نگاه کرد که با گریبان چاک زده وارد مجلس شد و در طرف راست امام علیه السلام ایستاد، ما ایشان را نشناختیم، بعد از ساعتی حضرت ابوالحسن امام هادی علیه السلام به ایشان نگاه کرد و فرمود: ای فرزندم خداوند را سپاس گو، همانا امر امامت را در تو قرار داده است، جوان (حسن بن علی علیه السلام) گریه کرد و خدا را سپاس گفت و کلمه استرجاع (إنا لله وإنا إليه راجعون) را بر زبان جاری نمود. و فرمود: ستایش خدایی را که پروردگار جهانیان است. من از

۲۲. سبع الدجيل مناخ القاصد الی سامراء، سید محمود غریفی ص ۴

۲۳. سفینة البحار ج ۲ ص ۴۱۰

خدا می خواهیم که تمام نعمت ما را در بقاء حیات شما قرار دهد (خداوند عمر شما را طولانی فرماید) و ما از آن خدا هستیم، و به سوی او باز می گردیم. حسن بن حسن افضس می گوید: ما پرسیدیم این جوان کیست؟ گفته شد: ایشان حسن فرزند امام هادی است. سن حضرت حسن بن علی علیه السلام در آن زمان حدود ۲۰ سال و یا بیشتر بود، و در همان مجلس بود که ما حضرت حسن بن علی علیه السلام را شناختیم و دانستیم که امام هادی علیه السلام با آن کلامش (فقد أحدث فیک أمرا = همانا خداوند امر امامت را در تو قرار داده است) به امامت ایشان اشاره فرمود و حسن بن علی علیه السلام را به جانشینی خود برگزید.^{۲۴}

عنایت ویژه ی امام حسن عسکری علیه السلام به حضرت سید محمد علیه السلام:

عالم علم انساب جناب العمری در کتاب المجدی گوید: ابوالحسن علی بن سهل که در بصره متولد گردیده برایم حدیث کرد و گفت: دایی ام ابو عبدالله محمد بن وهبان هنائی دبیلی به من گفت که: شریف ثقه جناب ابو الحسن علی بن یحیی بن محمد بن عیسی بن احمد الشریف الفقیه عز الدین ابن عیسی بن عبدالله بن محمد بن عمر بن علی در بغداد برای ما حدیث کرد که: علان کلانی برایم حدیث کرد و گفت که:

با ابو جعفر محمد بن علی بن محمد بن علی الرضا همنشین بودم و جوانی نورسته بود اما من فردی با وقارتر و هوشیارتر و گرامی تر از وی ندیدم.^{۲۵}

حضرت هادی علیه السلام، آن گاه که حضرت سید محمد علیه السلام طفل بود وی را در حجاز باقی گذارد (و به سامراء تشریف برد) سپس ایشان به همراه برادرش امام حسن عسکری علیه السلام با تکریم و احترام به نزد

۲۴ . محمد بن یحیی و غیره، عن سعد بن عبد الله، عن جماعة من بنی هاشم منهم الحسن ابن الحسن الأفضس أنهم حضروا - يوم توفي محمد بن علی بن محمد - باب أبي الحسن يعزونه وقد بسط له في صحن داره والنساء جلوس حوله، فقالوا: قدرنا أن يكون حوله من آل أبي طالب وبنی هاشم وقریش مائة وخمسون رجلا سوی موالیه و سائر الناس إذ نظر إلى الحسن بن علی قد جاء مشقوق الجیب، حتی قام عن یمنه ونحن لا نعرفه، فنظر إليه أبو الحسن علیه السلام بعد ساعة فقال: یا بنی أحدث الله عز وجل شکرا، فقد أحدث فیک أمرا، فبکی الفتی وحمد الله واسترجع، وقال: الحمد لله رب العالمین وأنا أسأل الله تمام نعمه لنا فیک وإنا لله وإنا إليه راجعون، فسألنا عنه، فقيل: هذا الحسن ابنه، وقدرنا له في ذلك الوقت عشرين سنة أو أرجح، فيومئذ عرفناه وعلمنا أنه قد أشار إليه بالإمامة وأقامه مقامه. کافی ج ۱ ص ۳۲۶ و ۳۲۷ / وسائل الشیعة ج ۳ ص ۲۷۳ و ۲۷۴ حدیث ۳۶۳۲

پدر شتافتند و حضرت عسکری علیه السلام از حضرت سید محمد علیه السلام جدا نمی گشت و ابو محمد علیه السلام بسیار با ایشان مانوس بود و به برادر دیگرش جعفر (جعفر کذاب) توجه نمی کرد.^{۲۶}

جلالت قدر حضرت سید محمد علیه السلام در نزد مردم:

جایگاه حضرت سید محمد علیه السلام نزد مردم عراق همچون جایگاه قمر العشیره حضرت عباس علیه السلام نزد ایرانیان است.

حاج شیخ عباس قمی در این مورد چنین می نویسد: شیخ ما در کتاب نجم ثاقب، فرموده:

حضرت سید محمد علیه السلام... از اجلاء سادات و صاحب کرامات متواتره است حتی نزد اهل سنت و اعراب بادیه به غایت از او احترام می کنند و از جنابش می ترسند و هرگز قسم دروغ به او نمی خورند و پیوسته از اطراف برای او نذر می برند بلکه فصل غالب دعاوی در سامراء و اطراف آن با قسم به او تمام می شود و مکرر دیدیم که چون بنای یاد کردن قسم شد، منکر، مال را به صاحبش برساند زیرا که سوگند دروغ صدمه ها دیده اند. در این ایام توقف در سامراء چند کرامت آشکار از او دیده شد.

ابو جعفر و تلاوت قرآن:

امام صادق علیه السلام در فضیلت قرائت قرآن در ایام جوانی فرمایشی بس گرامی دارند:

مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَ هُوَ شَابٌّ مُؤْمِنٌ اِخْتَلَطَ الْقُرْآنَ بِلَحْمِهِ وَ دَمِهِ وَ جَعَلَهُ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَةِ.^{۲۷}

هر جوانی مؤمنی قرآن بخواند، قرآن با گوشت و خونسش بیامیزد، و خدای عز و جل او را با فرشتگان پیغام برنده و نیک رفتار رفیق کند.

آری سرور ما حضرت سید محمد علیه السلام نیز در اوج جوانی خود بسیار به تلاوت قرآن علاقه مند بود و این کار در نظر ایشان از مهمترین فضائل بود چرا که حضرتش از جمله ثقل دیگر (یعنی اهل بیت و عترت پیامبر) بود

که عدل و همتای قرآن عظیم هستند و صاحبان و همزادان آن می باشند پس شگفت نیست اگر میانشان جاذبه، تمایل و ربایش و کشش موجود باشد.^{۲۸}

بخش دوم؛ کرامات حضرت سید محمد علیه السلام

مردم عراق به مقداری از این امامزاده ی واجب التعظیم کرامت ها دیده اند که یقین به عظمت شأن ایشان پیدا کرده اند. مرحوم محدث نوری در این مسأله چنین می نویسد:

کرامات حضرت ابوجعفر علیه السلام به حد تواتر و یقین رسیده است (از شدت کثرت) حتی در میان اهل سنت و اعراب بادیه نشین نیز وی مقبول است و او را بزرگ می دارند و از قهرش خوف دارند و سوگند دروغ به او یاد نمی کنند. از گوشه و کنار نذورات به بارگاه وی آورده می شود و در سامراء و مناطق اطراف آن بیشتر دعاوی و اختلافات با سوگند خوردن به حضرت ابوجعفر علیه السلام فیصله می یابد. بسیار دیده ام که وقتی کار به سوگند خوردن بر ابوجعفر علیه السلام می کشد فرد منکر مال را به صاحبش برمی گرداند (و از سوگند دروغ پرهیز می کند) چرا که بسیار دیده اند که قسم دروغ به جناب ابوجعفر علیه السلام ضررها و خطرهایی برای فرد سوگند خورنده پدید آورده است. در روزگاری که ساکن سامراء بودم کرامات آشکاری از حضرتش مشاهده گردید به حدی که برخی از علما عزم نمودند که رساله ای در باب فضل و کرامات ایشان بنگارند که خداوند متعال به ایشان توفیق دهد.^{۲۹}

تک نگاره های کرامت حضرت سید محمد علیه السلام:

نام برخی از کتاب ها که مستقلاً راجع به کرامات حضرت سید محمد علیه السلام نگارش شده است:

۱- ستاره ی دجیل، تالیف علامه شیخ محمد علی اردوبادی

۲۸ . ستاره دجیل ص ۴۶

۲۹ . النجم الثاقب ص ۸۱

۲- رساله ای در باب کرامت سید محمد بن الامام علی الهادی علیه السلام، تالیف شیخ جابر بن شیخ مهدی آل الغفار الکشمیری (م ۱۳۳۰ ه ق) که متأسفانه مفقود است.^{۳۰}

۳- رساله ای در باب کرامت حضرت ابو جعفر علیه السلام، تالیف شیخ هاشم بن محمد بلدی (م ۱۳۵۲ ه ق)^{۳۱}

۴- الفضائل الفاخره النافعه لیوم الآخره، تالیف سید قاسم بن علی بن یاسین حسینی بلدی^{۳۲}

کرامت اول: سوگند دروغ

نمونه ای از قهر و تندی آن حضرت با افراد خائنی که سوگند دروغ خورده اند داستانی است که شیخ محمد علی بلدی در کتاب خود از عبدالکاسم بن رمضان، یکی از خدام مرقد مطهر نقل نموده است: وی گوید: این خادم که بنده صالح و درستکاری بود گفت: روزی یکی از اعراب بادیه نشین را دیدم که به همراه کودکی وارد صحن مطهر گردید، وی مدهوش و سرگردان بود و چون دیوانگان طوری رفتار می کرد که گویا پیش روی خود را نمی بیند، لذا به من گفت: مرا به سوی قبر ابو جعفر راهنمایی کن و به حرم داخل گردان، زیرا من پشیمان به نزد او آمده ام و از آن چه از من صادر گردیده عذرخواهم. خادم گوید: به اصرار از او خواستم که جریان خود را برایم تعریف کند. گفت: شخصی به مهمانی ما آمد که گل های گوسفند به همراه داشت و شب را تا صبح نزد ما به سر برد، صبح هنگام گوسفندان خود را شمرد که پنج رأس کم شده بود و دلیل آن این بود که بزرگترین فرزند من آنها را دزدیده و در مکانی دور از چشم وی پنهان ساخته بود، وی گوسفندان خود را از ما مطالبه کرد و ما این امر را انکار نمودیم و از این واقعه اظهار ناراحتی و تأثر نمودیم، وی به این رضایت داد که بی آنکه به مرقد حضرت ابو جعفر علیه السلام در آیم از همان محل خودمان به سید بزرگوار ابو جعفر سوگند یاد کنیم که دزدی نکرده ایم. وی گفت: شنیده ام که هیچ کس سوگند دروغ به ایشان نمی خورد مگر آن که بی فاصله، زیان دیده و متضرر می گردد. اعرابی گفت: ما نیز برای وی سوگند یاد کردیم، او هم گله اش را برداشت و ما را

۳۰. نقباء البشر، علامه تهرانی ج ۱ ص ۲۷۵ / ستاره ی دجیل ص ۷۹ از الذریعه الی تصانیف الشیعه

۳۱. نقباء البشر، علامه تهرانی ج ۵ ص ۵۶۸ / ستاره ی دجیل ص ۷۹ از الذریعه الی تصانیف الشیعه

۳۲. الذریعه الی تصانیف الشیعه ج ۱۶ ص ۲۶۱

ترک گفت. پس از رفتن او پسر بزرگم گوسفندان مسروقه را به چراگاه برد اما پیش از آن که به آن جا برسد به بیماری ای دچار شد و در همان روز مُرد؛ و او را به خاک سپردیم. روز بعد پسر دیگرم با گوسفندان قصد چراگاه کرد اما او هم همچون برادرش به مشکلی دچار شد و در همان روز مُرد؛ و به برادر خود ملحق گردید. روز سوم پسر سومم با گوسفندان به سوی چراگاه رفت او نیز در همان روز مُرد.

روز چهارم همسرم مُرد و امروز که روز پنجم است من به همراه این کودکم گریخته‌ام و به جناب ابوجعفر پناه آورده‌ام و از گناهی که کرده‌ام توبه نموده و پشیمانم. عبدالکاظم گوید: آن دو را به حرم مطهر داخل نمودم و آن مرد بسیار گریست و زاری نمود و توبه نمود و درخواست عفو و آمرزش نمود و سپس به نزد خاندان خود بازگشت.^{۳۳}

کرامت دوم: میهمانی که گرامی داشته شد و دزدانی که به هلاکت رسیدند

یکی از مردان متدین اهل بلد (که برخی علمای عصر وی را مورد وثوق دانسته‌اند) گوید: سواری به زیارت بارگاه مقدس شتافت، چون شب فرا رسید حضرت ابوجعفر علیه السلام را مخاطب ساخته و گفت: من تا نیمه شب از اسب نگهبانی می‌کنم و در نیمه دیگر شب آن را به تو و حفظ تو می‌سپارم، این را گفت و خوابید، چون برخاست و اسب را نیافت بدون توجه و نگرانی گفت: ای ابوجعفر اسب را به تو سپرده‌ام و جز از تو آن را نمی‌خواهم. این را گفت و دیگر بار خوابید پس سید بزرگوار ابوجعفر سلام الله علیه را در خواب دید که به وی می‌گوید: به فلان مکان برو و به فلانی بگو (نام وی را بیان کرد) که فلان اسب (مشخصات اسب را بیان فرمود) نذر سید محمد است، آن گاه آن اسب را به جای اسب خودت بردار. صبحگاهان مرد از خواب برخاست و به مکانی که حضرت ابوجعفر علیه السلام فرموده بود رفت و همان اسب را از همان مرد گرفت و به راه خود رفت. اما آنهایی که اسب وی را دزدیده بودند به مصائب شدیدی گرفتار شدند و قتل و اتلاف اموال در میانشان چنان در گرفت که نزدیک بود نسلشان برافتد.^{۳۴}

۳۳. ستاره دجیل ص ۸۳

۳۴. ستاره دجیل ص ۹۳

کرامت سوم: خانه ظالم خراب خواهد شد؛ هر چند پس از مدتی

مرحوم علامه اردوبادی نقل می کند از گردآورنده رساله سید قاسم حسینی گوید:

از پیرمردی کهنسال که جواد بن محمد نام داشت و از اهالی بلد بود؛ کرامات حضرت ابو جعفر سلام الله علیه شنیدم که وی دو واقعه از ابو جعفر به یاد دارد که یکی را خود دیده و دیگری را شنیده است.

و اما آن چه وی به چشم خود دیده: عموی پدر سید قاسم - یعنی مؤلف همین رساله - سید رجب نام داشت و در زمینی زراعت نموده بود. پسری به همراه چارپایان خود از زمین وی می گذرد و احشام را رها می کند تا در زمین سید رجب بچرند، چون سید رجب آگاه می گردد به سرعت به سوی آنها می شتابد تا از زمین خود بیرونشان می کند، آن پسر ماجرا را به پدر خود که از ثروتمندان بوده اطلاع می دهد. وی نیز به دنبال سید می فرستد و به فرزندان خود می گوید که فرشی برای وی بگسترند و صندلی بگذارند آنها نیز چنین می کنند. وقتی سید در برابر وی قرار می گیرد عمامه سید را بر می دارد و بر روی صندلی می گذارد و بر روی آن می نشیند و به فرزندان خود دستور می دهد که خوب سید را کتک بزنند. چون سید از دستشان آزاد می شود، به بارگاه حضرت ابو جعفر علیه السلام می شتابد و از آن مرد شکایت می کند. راوی گوید: من نیز با وی وارد حرم شدم و آن چه می گفت را شنیدم، او قسم یاد کرد که از جوار حضرت ابو جعفر علیه السلام خارج نگردد، مگر آن که وی انتقام سید را از آنها بگیرد.

راوی گوید: آن شب را در حرم ماندیم و من در خواب سیدی را دیدم که در مقابل درب حرم به من گفت: جواد! به سید رجب بگو دستی که عمامه تو را ربود فلج شد. راوی گوید از خواب برخاستم و سید رجب را نیز بیدار کردم و خوابی که دیده بودم را برایش تعریف کردم. در هنگام طلوع فجر فرزندان آن مرد وی را بر دوش کشیده به همراه عمامه سید به حرم شریف آوردند، سید به من فرمود که عمامه اش را بیاورم چنین کردم و او عمامه را بر سر نهاد. فرزندان آن مرد پس از آن که پدر خود را وارد حرم نمودند به نزد سید آمده و دستان وی را می بوسیدند. در این بین پدرشان که در کنار ضریح افکنده شده بود کف از دهانش خارج می شد و به زبان

حضرت ابو جعفر علیه السلام سخن می گفت و می گفت: ای سگ از حرم من خارج شو فرزندان ما را می زنی و به ما توسل می جویدی. وی پس از چندی به حال خود بازگشت در حالی که نیمی از بدنش فلج شده بود و تا لحظه مرگ بر همین حال بود و تا همین امروز نیز آن خاندان از فقر و فاقه رنج می برند. سید گوید: از آن پیر مرد یعنی جواد بن محمد پرسیدم اسم آن مرد چه بود؟ گفت بشنو و مپرس.^{۳۵}

کرامت چهارم: بیچاره ای که از وی دستگیری شد

سید خلیل یکی از خادمان حرم کاظمین گوید به زیارت سامراء مشرف شدم و به همراه دوستی در جهت دجله شروع به حرکت نمودیم، اواخر روز بود، در سوی دیگر دجله گروهی از زائران حضور داشتند ما قصد کردیم که به آنها ملحق شویم تا راه بعقوبه را به آنها نشان دهیم، همچنین مقداری از اموالشان را که نزد من بود برگردانیم، در این هنگام بادی تند وزیدن گرفت و امواج به تلاطم در آمد، به حدی که پل چوبی که سابقاً دو سوی دجله را به هم مرتبط می ساخت شکست و ما چاره ای نداشتیم جز این که با قایق‌های مدور از دجله عبور کنیم. سوار قایق شدیم وقتی به وسط رود رسیدیم موجی بر آمد که قایق ما را واژگون ساخت، من نفهمیدم که آیا در آن بحبوحه به حضرت ابو جعفر علیه السلام متوسل شدم یا نه و کلمه دخیل را بر زبان آوردم و دو شمع نذر ایشان نمودم یا نه. اما متوجه شدم که رود آرام شد و هوا صاف گشت و قایق ثابت و بی حرکت گردید. البته آب در قایق انباشته شده بود که قایقران به بیرون ریختن آن مشغول بود و من از شدت ترسناکی این واقعه مدهوش بودم. چون به خشکی رسیدیم من بر روی زمین افتادم، قایقران آمد و به خاطر توسلی که به جناب ابو جعفر علیه السلام نموده بودم تشکر کرد و گفت درست زمانی که من مطمئن بودم از بین خواهیم رفت تو ما را از مرگ رهایی دادی.^{۳۶}

۳۵ . ستاره دجیل ص ۹۳

۳۶ . ستاره دجیل ص ۱۲۱

کرامت پنجم: پناه جویی که پناه داده شد

سید عبدالحسین دجیلی گوید، دختر عمویم بیمار شد او را به بارگاه حضرت ابوجعفر علیه السلام بردم و در کنار ضریح قرارش دادم، شب دوم بی قرار شدم و تا نیمه شب نتوانستم بخوابم، در خواب سیدی را دیدم که می گوید: بر خیز فجر طلوع کرد، برخیز نماز بخوان و بیماریت را به نزد اهلش بازگردان که شفا یافته است شادمان برخاستم در حالی که سپیده پیدا بود به نزد دختر عمویم رفته او نیز می گفت: سیدی را دیدم که به من گفت برخیز و نماز بخوان فجر طلوع کرد! از بیماری ات شفا یافته ای پس به نزد خانواده ات باز گرد.^{۳۷}

نتیجه:

از آنچه در طی دو بخش گذشت عظمت شأن و علو مقام حضرت ابوجعفر جناب سید محمد بن علی الهادی علیه السلام بر ما آشکار گردید. چنانچه ثقة الاسلام حاج شیخ عباس قمی بیان کرده است: قبر جناب ابوجعفر علیه السلام در نزدیکی بلد یک منزل مانده به سامراء قرار دارد و مردم به زیارت ایشان می روند و برای وی نذورات می کنند و به ایشان تبرک می جویند و حاجات خود را از حضرتش طلب می کنند و کرامات بسیاری از وی نقل می کنند.^{۳۸}

در کتاب الأربعین الحسینیة تألیف علامه حاج میرزا محمد قمی آمده است که: آن بارگاه بسیار معروف است و مکرر در مکرر کرامات آشکار از آن موضع صادر گردیده است.

البته شاید در مورد این مطلب اصلاً نیاز به نقل این مطالب نباشد، چرا که شهرت این بارگاه در نزد شیعیان همچون خورشید درخشان است و هیچ یک از این بزرگان چیزی جز معتقدات سنی و شیعه (در مورد این بارگاه) بر زبان نیاورده اند.

از همین رو ما اعتقادات عموم مردم را (چه شیعه و چه سنی) زمانی به عنوان حجت قاطع و دلیل محکم بیان کردیم که روشن گردید که این معتقدات با آن چه پیش تر، از مفاد حدیث و کلام نقل شده از معصوم موافقت

۳۷. ستاره دجیل ص ۱۳۵

۳۸. سفینه البحار ج ۲ ص ۴۱۰

دارد، لذا پس از همه آن اسناد و استدلالات جهت افزایش اطمینان و آرامش خاطر بدین معتقدات عامه نیز تمسک جستیم.

فهرست منابع:

قرآن کریم

آقا بزرگ، الطهرانی، *التدریعة إلى تصانیف الشیعة*، ط اسماعیلیان

آل عبد الغفار کشمیری شیخ جابر بن شیخ مهدی، مقیم بلد م ۱۳۲۲ هـ ق، *کرامات السید أبی جعفر محمد علیه*

السلام، بی تا بی نا

ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل أبی طالب*، المكتبة الحیدریة، النجف الأشرف

اردوبادی محمد علی، *ستاره دجیل زندگانی و کرامات عموی بزرگوار امام زمان علیه السلام سید محمد فرزندی*

امام هادی علیه السلام، مقدمه و یادداشت علی اکبر مهدی پور، عطر عترت، قم، ۱۳۸۹ هـ ش

اردوبادی، محمد علی بن ابوالقاسم، *أبو جعفر محمد بن الامام علی الهادی سبع الدجیل*، ط سال ۱۳۷۵ ق، نجف

اشرف.

بلداوی، شیخ هاشم بن محمد علی م ۱۳۰۵ ق، *رسالة فی کرامات السید محمد ابن الامام الهادی*، بی تا، بی نا

بلداوی برهان، *سبع الدجیل*، بی تا، بی نا

حسینی بلداوی سید قاسم بن علی بن یاسین، *الفضائل الفاخرة النافعة لیوم الآخرة فی کرامات السید محمد بن علی*

النقی الهادی علیه السلام، بی تا، بی نا

قمی، شیخ عباس، *سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار مع تطبیق النصوص الواردة فیها علی بحار الأنوار*، قم

، نشر اسوه

قمی، شیخ عباس، *منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الآل*، قم، نشر مومنین، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش

عوامی، سید حسین، *سبع الدجیل السید محمد بن الامام الهادی عم الامام المهدي*، ط نجف اشرف، ۱۴۲۹ هـ ق

کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، انتشارات اسلامیة، ۱۳۶۲ ش

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الأنوار*، دار إحياء التراث العربی، بیروت، 1403 هـ ق، چاپ دوم

مفید، ابو عبدالله محمد بن محمد النعمان العکبری البغدادی المشتہر بشیخ مفید، ۵۱۴۱۳، *الارشاد فی معرفه حجج*

الله علی العباد، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام

نیشابوری عبدالحسین، *تقویم الشیعة*، دلیل ما، قم ۱۳۹۳ ش

محلاتی، شیخ ذبیح الله، *ریاحین الشریعة*، چاپ تهران، ایران، سال ۱۳۷۰ هـ ناشر

موسوی هندی سید موسی، *سبع الدجیل*، چاپ بیروت، با تحقیقات دکتر جودت قزوینی.